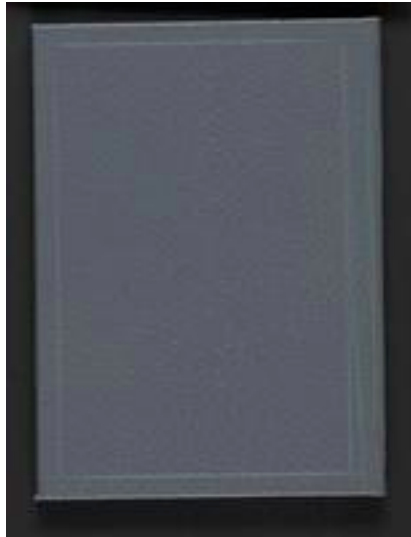


## [Afghanistan Digital Library](#)

adl1180

<http://hdl.handle.net/2333.1/n8pk0qcm>

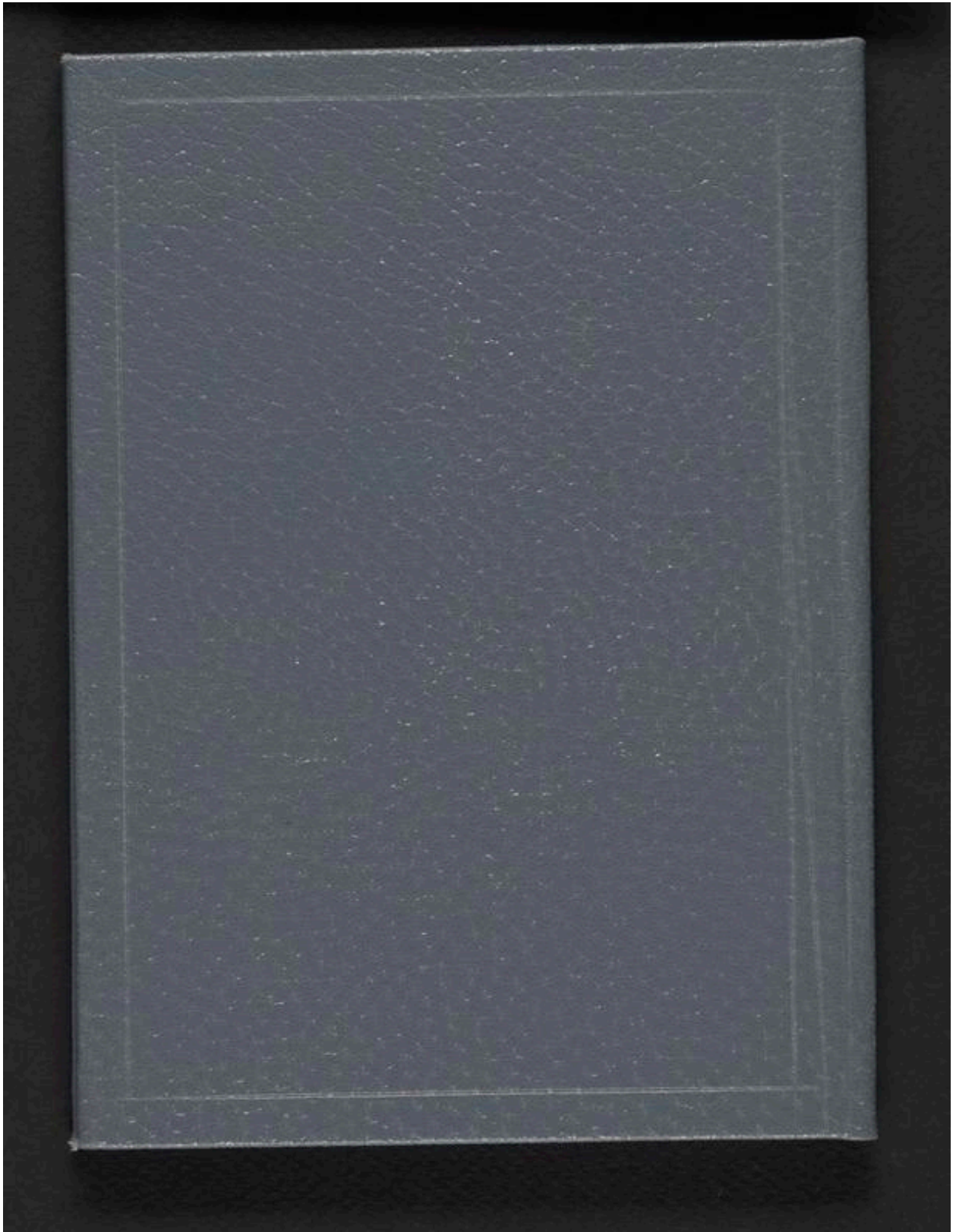


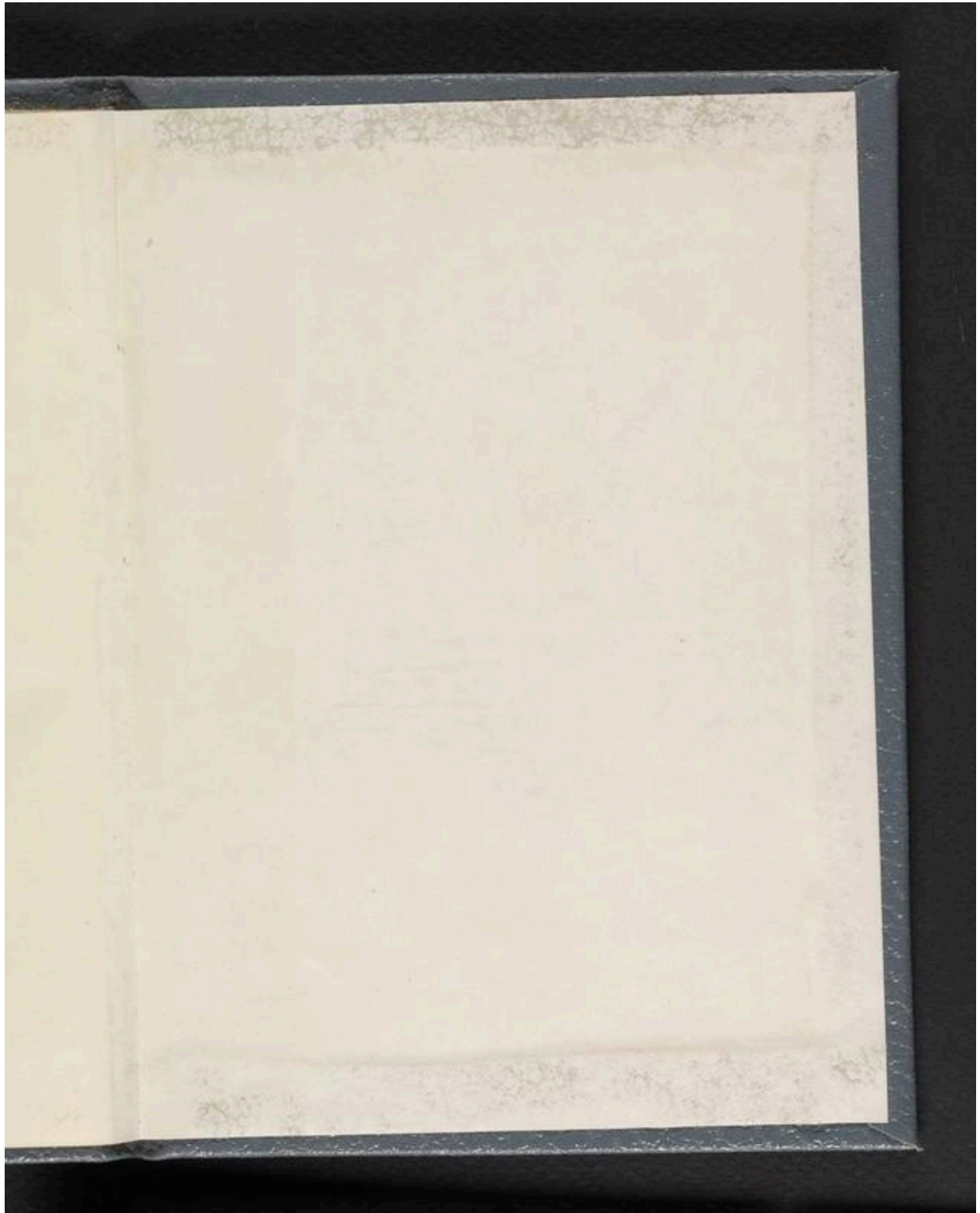
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

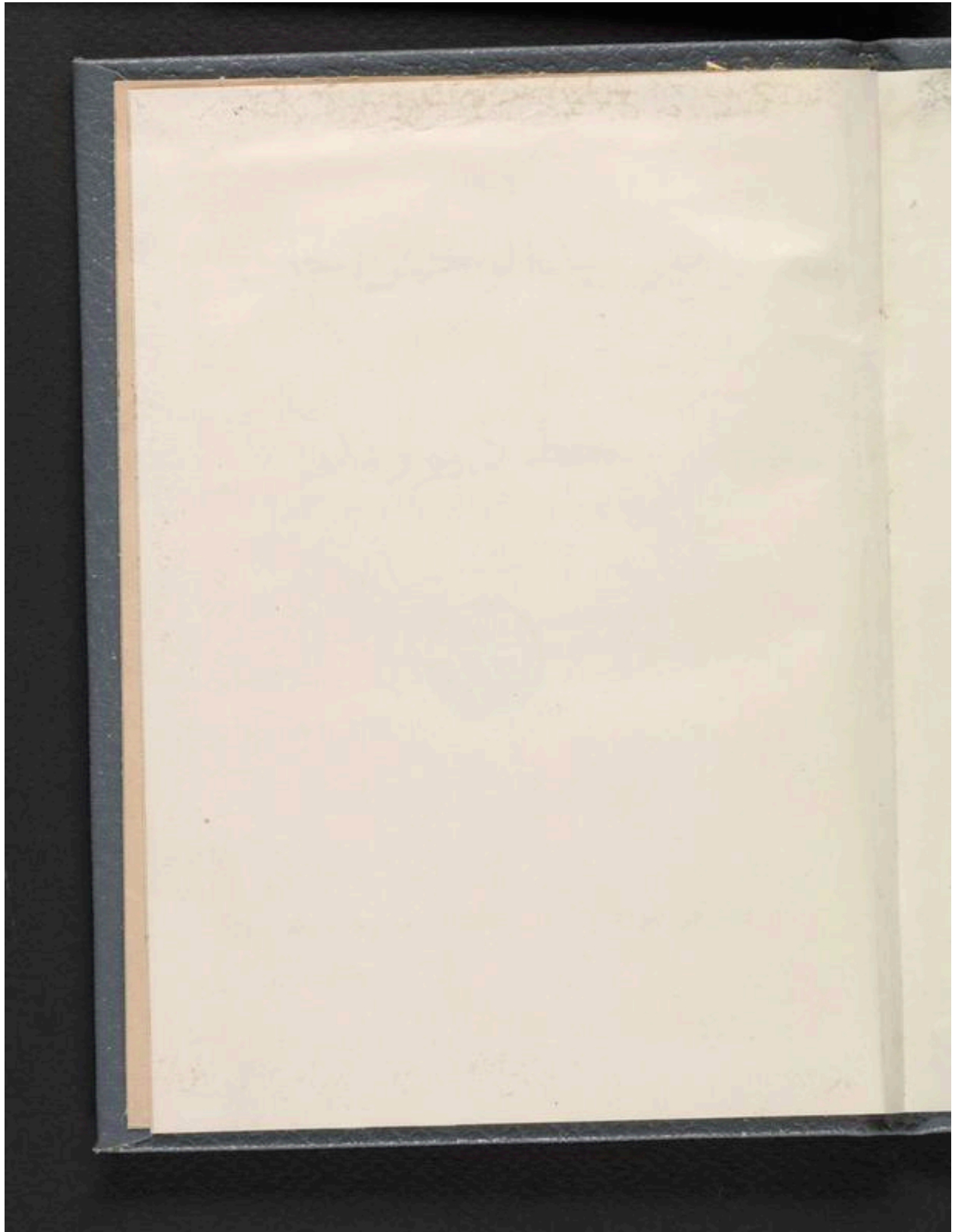
When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

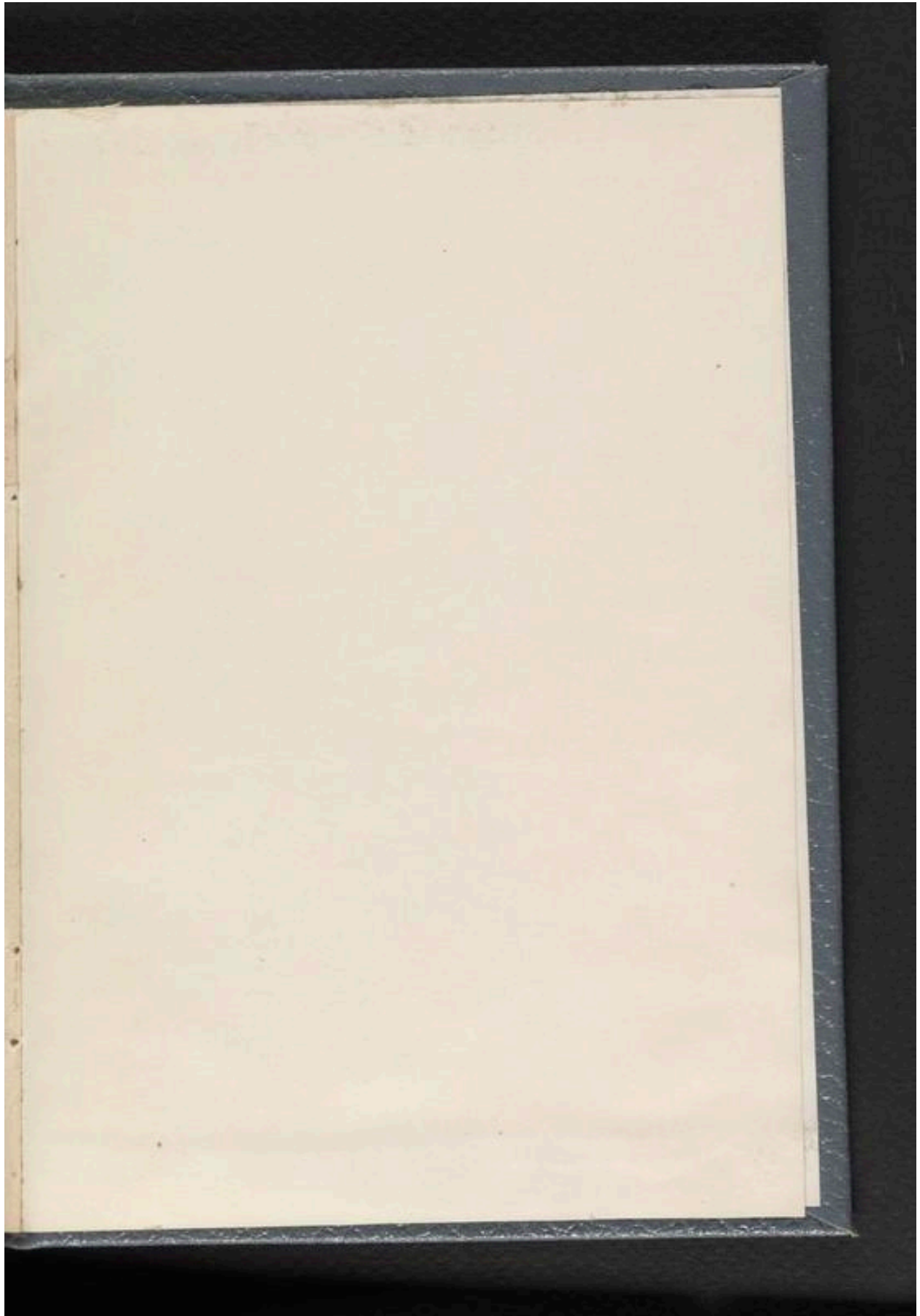
All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, [dlts@nyu.edu](mailto:dlts@nyu.edu)









امیر عبدالرحمن خان

خط دیورند

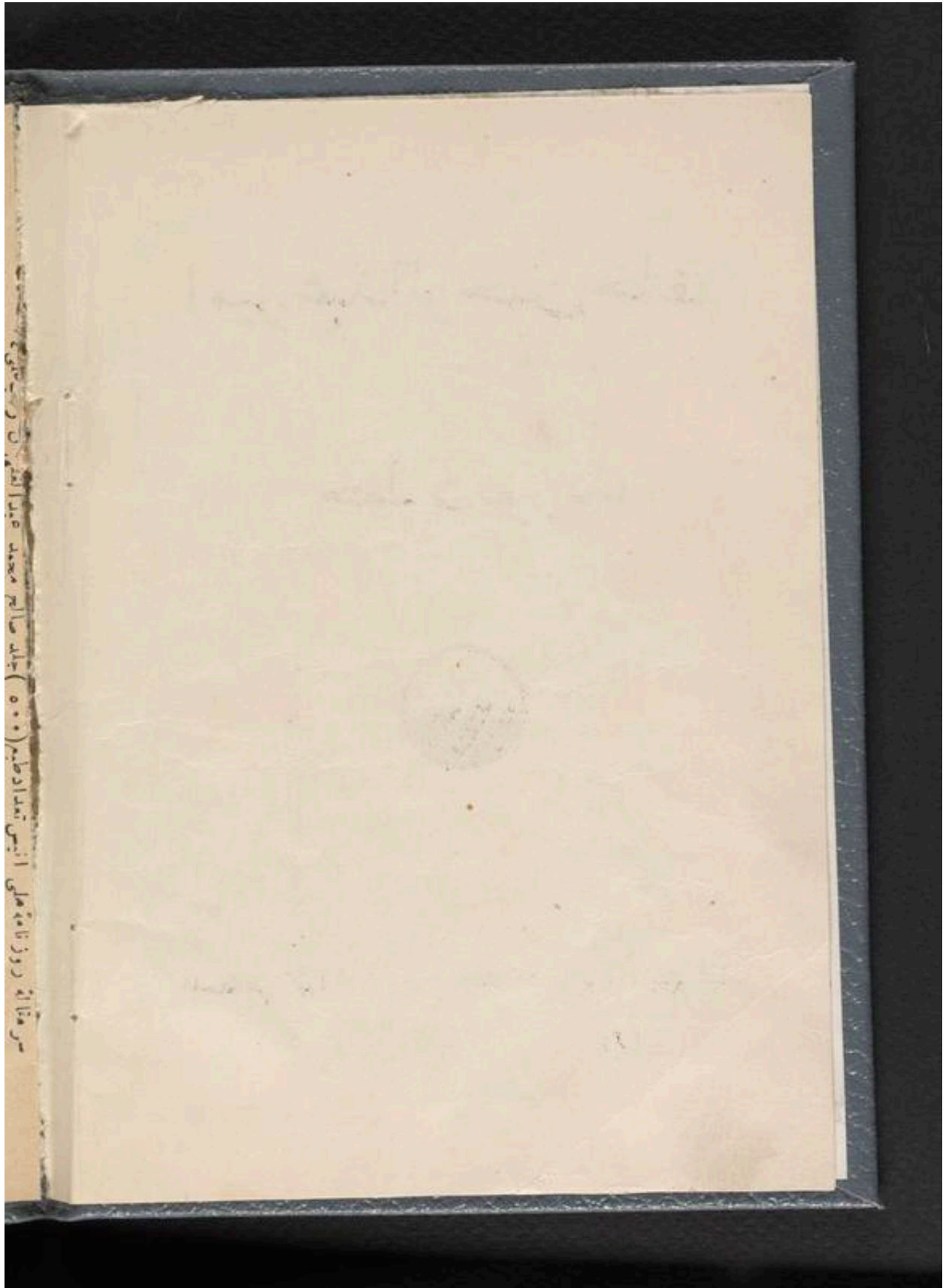
پراگ  
ڈیڑا



انتشارات مر بو ط به پنهو انمان

احمد علی کہزاد

(۲)



سر مقاله روزنامه ملی انیس  
۸ جمادی ۱۳۳۰

### امیر عبدالرحمن خان و خط دیورند

بعد از اتمام نظریات تجلیلی که راجع به مقاله های دو نفر از سیاستون انگلیس تحریر شد کتابی بدستم افتاد بنام «افغانستان» که در ۱۹۵۰ در لندن بطبع رسیده و مولف آن «سر کر فرایز رتاینر» یک نفر دیگر از سیاستون و وزیرای مختار انگلیس است که در سال های قبل از جنگ دوم جهانی از طرف دولت متبوع خویش در دربار کابل سمت نمایندگی داشت. همان طور که این مرد سیاسی قیافه متین و موفرو جیدی داشت کتاب او که عجالتاً یک نظر اجمالی بر اکثر صفحات آن افکنده ام از طرز کتاب های سطحی نیست و باید هم نباشد زیرا فراریکه نویسنده محترم در مقدمه اثر خویش می نویسد از اکتوبر ۱۹۱۰ که بحیث بلوک مشر در سکر هندی باراول وارد پشاور شد تا اکتوبر ۱۹۴۱ که بعد از ختم ماموریت سیاسی از کابل بار آخره به پشاور برگشت در میان دو تاریخ فوق که بیش از سی سال را در بر می گیرد در علاقه های سرحدی و اینطرف و آنطرف آن در خدمت هند در شعبه خارجی مسایل سرحدی و در افغانستان بحیث وزیر مختار اشغال و وظیفه داشت و به این ترتیب بیشتر به آن قسمت هائیکه به مسایل سرحد مر بوط است صلاحیت دارد و تا جائیکه دقت

سر مقاله روزنامه ملی انیس عبدالرحمن خان



( ۲ )

بمعل آمده است تا آن حدیکه برای يك نفر خارجی  
وسیاست مدار مقدور است در تحلیلی مطالب سیاسی از ابراز  
نظریات بیطرفانه چندان عدول نکرده است .

درین کتاب که منقسم بر سه حصه است و دارای ۲۱ فصل  
و ملحقات دیگر می باشد در طی ۲۳۰ صفحه عمومیات تاریخ  
افغانستان قدیم و جدید بخصوص از ناحیه انکشاف مطالب  
سیاسی با ارتباط آن در تحول سیاسی آسیای مرکزی  
شرح یافته که معر فسی رؤس مندرجات را با بحث  
کنای در نتایج بوقت دیگر میگذارم. در میان این فصول دو فصل  
در اطراف قبایل سرحدی و خاک مر بوطه ایشان و ف شده  
که با داشتن مطالب متنوع و مفید در آینده قریب در اطراف  
آنها بحث خواهم کرد و متن نوشته های مواف را معرفی خواهم  
نمود. در میان همین مباحث که ارتباط بیشتر به مسایل روز دارد خط  
دیورند و نیات حقیقی امیر عبدالرحمن خان در امضای  
این معاهده تحلیلی است که چند روز قبل تذکر آن  
در مقاله مخالفت بین افغانستان و پاکستان از نظر  
سرجارج کنگهم در روزنامه انیس داده شد و اینک  
حالا عقاید مواف کتاب افغانستان را را جمع به سیاست و  
نیات واقعی امیر عبدالرحمن خان و چگونگی خط دیورند  
مطالعه فرمائید :

«قسمت مهم سرحدات غربی افغانستان با ایران در سالهای  
۱۸۷۲ - ۱۸۸۸ تعیین شد . سرحدات جنوبی افغانی که

( ۳ )

در حدود ۱۲۰۰ میل را در بر میگرفت یا تحت اداره مستقیم و  
یا تحت قبول حکومت بریطانیا بود معذالک در تمام امتداد  
آن نفوذ امیر احساس میشد. در حالیکه امیر میدانست که  
در تشبث به مسایل عمده خارجی تحت نظارت است و به این  
رول خویش وفادار بود در مسایلی که ارتباط به پتان های  
همسایه و هم کیش سرحدی هند و افغان داشت سخت ابراز  
شخصیت میکرد. واقعا امیر افغانستان بخت امیر المومنین و  
پیشوای مسلمانان نه تنها در کشور خودش بلکه در حصه  
بزرگ مناطق شمال غرب هند شناخته میشد. امیر  
عبد الرحمن خان با اینکه میل به تجدید سرحدات جنوب و  
شرقی داشت مشتاق بود که تاهرانند ایزه که امکان داشته  
باشد مسلمانان سرحدی را هم تحت نفوذ مادی و معنوی  
خویش بیاورد و بدین اساس تمام اقدامات برطانیه را معنی  
بر پیشروی در سرحدات بنظر نا رضایت میدید. احساسات  
امیر بحدی شدید بود که هنگامیکه در کوه ( کوزک ) تونل  
راه آهن کنده میشد گفته بود که ( این تونل به مثابه  
خنجری است که در دل من فرو برده میشود ) برای اینکه  
یاسخی به این اقدامات داده بشد و طبقه داران پست سرحدی  
خویش رادرو زیرستان امر پیشروی داد و علاقه های ( توری )  
( دره کرم ) را تحت تهدید قرار داد و افزایندی ها را در  
حوزه نظارت خود آورد و ارتباط خویش را با قبایل  
مهمند مستحکم ساخت و اگر موافق بعمل نمی آمد دامنه

( ٤ )

قلمرو او در چند سال تاسرحدات اداری هند میرسید و پشاور را تهدید میکرد. در شمال غرب نظر حکومت هند را مبنی بر استقرار تعلق با (باجور) و (دیر) بنظر استحصان نمیدید و اسمار را اشغال کرد تا اینکه در ۱۸۹۳ روابط خیلی کشیدگی پیدا کرد طوریکه برای ازاله آن تعین یکنوع سرحدلا بدی وفوری گردید. در نتیجه بعد از چند هفته مذاکرات در ۱۸۹۳ معاهده دیورند بین سرمور تیر دیورند و امیر عبدالرحمن خان امضاء شد و سرحدی روی نقشه ضمیمه معاهده کشیده شد که قلمرو امیر را در جنوب و شرق تحدید می کرد و نفوذ او را در ماورای آن متوقف میساخت. هر دو طرف ضمانت کردند که در خاکهای یکدیگر در ماورای خط مداخلت نکنند و هر دو طرف معاهده را احل رضایت بخش کامل اختلافات وارده در سرحد قبول داشتند.

این بود شکل نظری معاهده ولی در عمل خیلی ازان مغایرت داشت. خط دیورند در همان وقت و بعد ازان فقط یک سمبول خشک مصالحه و مظهر یک سیاستی بود که برای آن هر ارزشی که قایل شوند به نتیجه منطقی واصل نگردید بر طائوی ها با اشغال سرحد مادی و طبیعی هندا از اطاعت قانون تحول سیاسی و سوق العیشی سر باز زدند و نتیجه عدم اطاعت این قانون را دیدند. ایشان مسایل عمده را حل کردند ولی بشکلی که با مسایل کوچک حل طلب باقی ماند.

خط دیورند شاید در موقعش بهترین خطی بوده باشد ولی نسبت

( ۵ )

به معان معایش به مرا تب بیشتر است و از نقطه نظر  
انتوانی ( مردم شناسی ) و نظای می و جفر اقبائی غیر  
منطقی است زیرا از وسط یکی از حوزه های عمده تقسیمات  
آبی رود سند میگذرد و نه تنها ملت را به دو حصه تقسیم  
میکنند حتی از وسط قبیله ها میگذرد و آنها را از هم مجزی  
میسازد. جای حیرت است چلو ر امیر عبدالرحمن خان  
چنین سرحدی را قبول کرد. امکان دارد که با وجود  
تشریحات دقیق و روشن دیورند که خط را روی نقشه  
مقابل امیر میکشید امیر خوب ملتفت نشده باشد و از  
منتهای غریب و ریبلی گفته باشد چیزی که محقق است این  
است که با وجود امضای معاهده امیر بعضی جزئیات خط  
رادر ملحقات نقشه معاهده قبول نداشت و بدین علت بعضی حصص  
خط تا حال ناکشیده ماند و «دیورند لابن» بصورت صحیح  
و درست تعین نشد امیر عبدالرحمن خان و جانشین امیر حبیب الله خان  
موضوع عدم مداخله را چندین احترام نمیکردند و قبایلی  
های وزیری خود خط را نمیشناختند. در نظر پادشاهان  
افغانستان معنی مداخله همان مداخله مسلح بود  
و بدین ملا حظہ ایشان همیشه گماشتگان خویش را آن طرف خط  
دیورند میفرستادند تا نفوذ افغانی رادز تمام خاک های قبایلی  
برقرار نگه دارند. هکذا جر که های قبایلی را از حصص  
هندی خط بکا بل میطلبیدند و با ایشان بجست مهمان  
رفتار میکردند و به آنها تحفه های خوبی میدادند. محاسن

( ٦ )

نفوذ افغانی در میان قبایلی های آزاد سرحدی اصل بزرگ  
سیاست امیر بود و بدین وسیله از یکطرف خویش را در  
مقابل شورش مسایح بر علیه دولت حفظ میکرد و از جانب  
دیگر از کدام تعرض احتمالی بر پطانیای جلو گیری بعمل  
می آورد.

در مقاله (مخالفت بین افغانستان و پاکستان از نظر سر چارج  
کننگهم) در فقره هفتم قیده حکمران انگلیسی سابق سرحد  
و نظریات تحلیلی خویش را عرض کردم راجع به جنبه تعلیمی  
معاهده نیات و امیر عبدالرحمن خان را باروش استدلالی  
او که از کتاب حیاتش اقتباس شده بود بار دیگر اینجا تکرار  
نمیکند خوانندگان گرامی با ملاحظه مطالب فوق از قلم  
(سرفرایزرتایلتز) خود ملتفت خواهند باشد که آنچه مبنی  
بر اصل نیت و آرزوی امیر عبدالرحمن خان نوشته تا کدام اندازه  
حقیقت داشت. از خلال نظریات یک نفر دیپلومات ریگر انگلیس  
مؤلف کتاب افغانستان و سفیر سابق برطانیه در کابل  
که از تذکره رویدادهای تاریخی در موقع امضای معاهده دیورند  
چندان منحرف نشده است سیاست و نظریات امیر عبدالرحمن خان  
نسبت به تمام قبایلی های علاقه سرحدی دهویدا می شود و این  
چند جمله برجسته از مطالب فوق روح حقیقی نیات پادشاه  
افغانستان را در ۱۸۹۳ مرقم می کند.

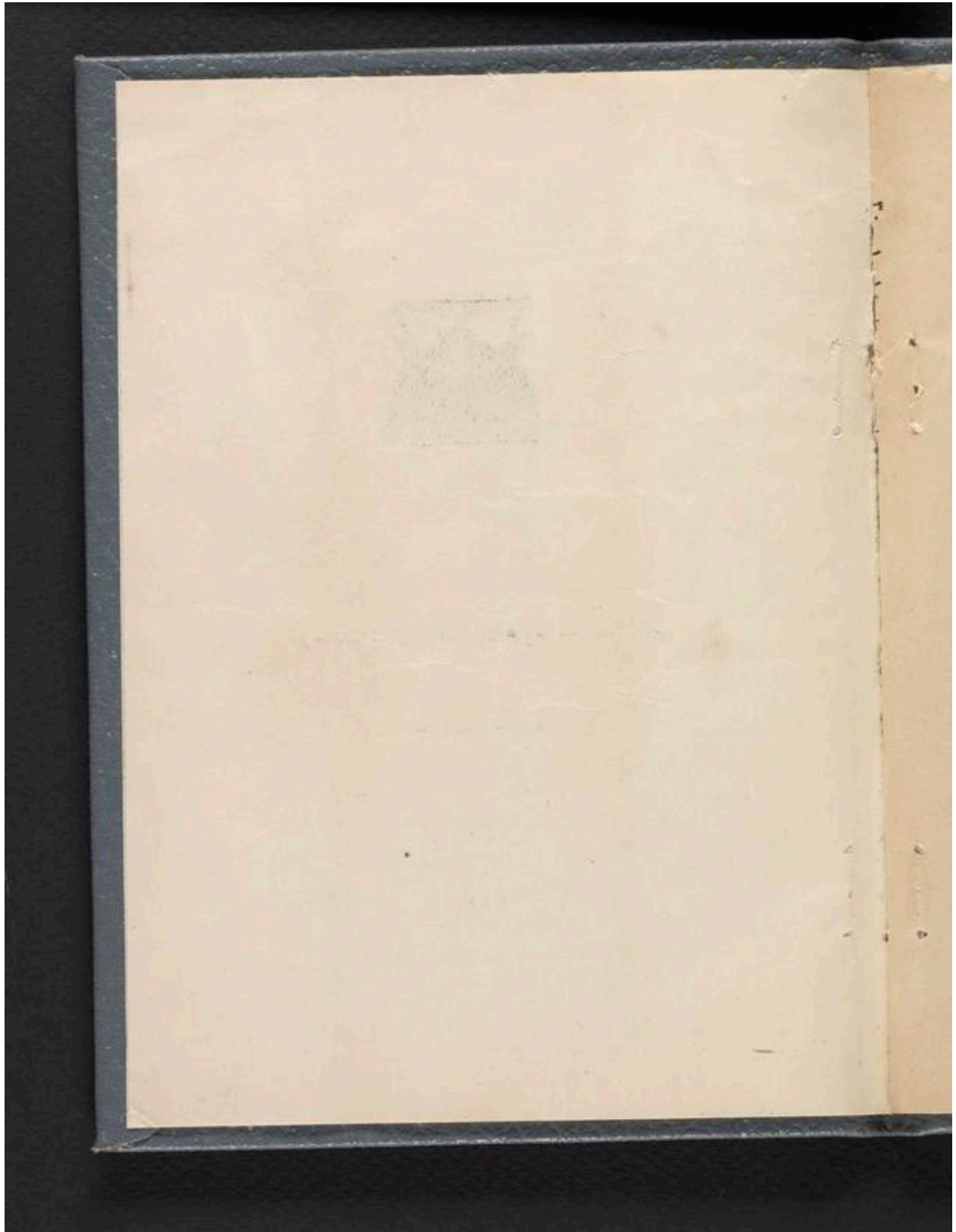
امیر عبدالرحمن خان مسایل علاقه های سرحدی را اصلا  
مسئله خارجی نمیدانست که در تماس آن خویش را مقید بدانند  
لذا (در مسایل پشتون های مناطق سرحدی بکمال شدت

فصلنامه  
اندلس

( ۷ )

اظهار شخصیت می کرد) و مشتاق بود (هر قدر امکان داشته  
 باشد بپشتون های سرحدی را تحت نفوذ مادی و معنوی  
 خویش درآورد) و اقدامات برضانیه را مبنی بر پیشروی در  
 سرحدات بنظر نارضایتی میدید. جمله گاه در مورد  
 حفرتونل کوه کوزک اظهار کرده و آنرا بمناسبت فرو بردن  
 خنجر - ری دردل خویش خوانده است جمله ایست که یک عالم  
 افخجار دارد و ازان بهتر نمی شود درددل را در مقل تجا و ز  
 بیگانگان بخاک وطن اظهار نمود.  
 امیر تنها مرد نظری نبوده و به ایراد جمله بی اکتفا  
 نکر د بلکه عملاً قرار یک در فوق سفیر اسبق برطانیه خود  
 می نگارد یک سلسله اقدامات متقابل عملی در نقاط مختلف  
 علاقه های سرحدی از وزیرستان گرفته تا دره کر م و علاقهای  
 توری و افریدی و مهمند و با جور و دیر متشیت شد و رفتاری  
 اتخاذ کرد که باعث تشویش جدی انگلیس ها گردید.  
 امیر عبدالرحمن خان با وجود اجباری که در امضای معاهده  
 دیورند در پیش داشت و به خط کشتی های انگلیس ها روی نقشه  
 جغرافیا از نظر تخصص چندان وارد نبود (بعضی جزئیات آنرا  
 نمی یند برفت) و خط مذکور در حالیکه (صحیح و درست تعین نشد)  
 در قسمت های جز (تاحال ناکشیده ماند) خط دیورند قرار یک  
 سر فرایسز تا پتلا را اظهار می کند و افعاً (یک سمبول خشک مصالحه  
 و) مظهر یک سیاست بی منطقی بود) که در اطراف خود مسایل  
 بسیاری را لا ینجمل گذاشت. جای بسیار خوشی است که یک نفر  
 از سیاستون انگلیس که ۳۰ سال در مسایل علاقه سابق شمال غرب  
 هند در تماس بود بالاخره اعتراف می کند که (خط دیورند  
 نسبت به محاسن معایب بسیاری دارد و از نقطه نظر اتنوگرافی

(مردم شناسی) و نظامی و جغرافیائی غیر منطقی است )  
جناب گنکهم در مقاله خویش می فرمایند که خط دیورند فقط  
در یکجای میان قبیله می می گذرد حال آنکه هموطن ایشان با  
معلومات بیشتری که دارد علت عدم منطبق این خط را در آن  
می داند که نه تنها از میان قبیله ها می گذرد بلکه ملتی را بدو  
حصه منقسم می سازد و از نقطه نظر جغرافیا و تقسیم  
و انفکاک مردمان قبایلی معنی نمی ندارد .  
سر فرایزر تا اینتر از بس از جهات مختلف این خط را  
بی منطق می داند خود به حیرت رفته است که چطور امیر عبدالرحمن  
خان آنرا قبول کرده است. مولف کتاب افغانستان خودش  
خوشبختانه جواب حیرت خویش را هم داده است و اظهار می کند  
که امیر اصلاً از نظر تطبیقی نقاط عبور خط را از روی نقشه  
تاریخ زمین نفهمیده است و دلیل این امر هم این است که  
بسیار چیزیات آنرا قبول نکرد و خط دیورند تا امروز  
غیر معین و ناکامل ماند .  
امیر عبدالرحمن خان باینکه در چنین فضا و شرائط معاهده  
تحمیلی دیورند را امضا کرد عملاً کسافی السابق در آن طرف  
آن ابراز نفوذ و مداخله میکرد. گماشتگان و نمایندگان  
او و جانشینش امیر حبیب الله خان برای برقراری و محافظت نفوذ  
دولت های افغانی در تمام علاقه های سرحدی گشت و گذار  
داشت و همیشه جرگه های قبایلی های آن طرف خط از تمام علاقه  
های سرحدی یکسابل دعوت میشدند . در روشنی این حقایق  
که همه حرف به حرف از نوشته های دیپلمات مطالع انگلیس گرفته  
شده است گمان نمیکشیم کسی ذفته بتواند که علاقه های  
سرحدی جزء خاک هند بر طاقوی بود و افغانستان در آن  
طرف خط دیورند تاثیر و نفوذ مرتب و دائمی نداشت .







از سلسله انتشارات مدیریت عمومی نشرات داخلی

ریاست مستقل مطبوعات

نمبره عمومی

( ۵۲ )

